



تحلیل روابط بینامتنی عرفانی دستورالجمهور با عوارف المعارف

بر اساس نظریه ژرار ژنت

الهام قنواتی محمد قاسمی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

احمد خیالی خطیبی (نویسنده مسئول)^۱

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

علی اصغر حلبی

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۴۰۱/۲/۴ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۱۱

چکیده

بینامتنیت، تولید متن از طریق تعامل با متون پیشینیان یا معاصر خود است که مشارکت آن متنها در متن مورد نظر به صورت صریح، غیرصریح و ضمنی از متنی در متن دیگر صورت می‌گیرد. ژرار ژنت از برجسته‌ترین محققان عرصه بینامتنیت است که بخش عمده‌ای از مطالعات خود را روی طبیعت گفتمان روایی متمرکز می‌کند. مقاله حاضر با توجه به این دیدگاه او، بینامتنیت در دستورالجمهور را مورد بررسی قرار داده، پس از مطالعه مبانی نظری با عوارف‌المعارف سهروردی، منطبق کرده است. درواقع عوارف‌المعارف سهروردی را در جایگاه پیش متن و دستورالجمهور شیخ خرقانی را به‌عنوان پس متن مورد ارزیابی قرار داده، به این نتیجه می‌رسد که شیخ خرقانی از عوارف‌المعارف تأثیر گرفته است. همچنین بیشترین بینامتنیت در دستورالجمهور از عوارف‌المعارف، به صورت ضمنی (وام‌گیری و الهام‌گونه) بوده، گاهی خرقانی به صورت غیرصریح به عوارف‌المعارف نظر دارد و نیز شیخ خرقانی در فضای عرفانی - فکری مشابهی با سهروردی قرار داشته، این نزدیکی باعث ایجاد

۱. ahmadkhatibi۸۴۰@yahoo.com

اشتراکات و مشابهتهای مفهومی در اثر شده است. نتیجه مطرح شده به روش کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی - توصیفی، بینامتنیت موجود در اثر را به اثبات می‌رساند.

کلیدواژه: تحلیل، بینامتنیت، ژرار ژنت، شیخ خرقانی، شیخ سهروردی

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

در همه رشته‌ها به خصوص علوم انسانی و کلامی، متن نوشتاری یا شفاهی نخستین داده را تشکیل داده، واقعیتی است بی واسطه. واقعیتی که اندیشه‌ها و رشته‌های دانش فقط در درون آن می‌توانند شکل و قوام یابند. تغییر در نوع نگاه و خوانش آثار مخصوصاً آثاری که در نوع خود آغازگر و نقطه شروع یا اوج یک نوع ادبی بوده‌اند؛ ما را با جایگاه واقعی آن آثار و اهمیت آنها بیش از پیش آشنا می‌کند و هویت واقعی آنها را به درستی می‌نماید. ژرار ژنت در رساله درآمدی به فزون متن (۱۹۷۹) معتقد است فزون متن جنبه‌های همگانی یا متعالی است که سازنده متن محسوب می‌شوند و متعاقب این تفکر، بینامتنیت شکل می‌گیرد؛ بنابراین اسلوب و فرم و شکل یک متن و نوشته با ژانر و نوع ادبی خاص آن و عناصر سازنده آن، اثر یا آثار را در ردیف و جایگاه خود قرار می‌دهد و از دیگر آثار مشخص می‌سازد.

یکی از شیوه‌های مهم مطالعه متنها در عصر حاضر بررسی رابطه بینامتنیت میان آنها است. گفتار کلیتی تکرارنشده و از نظر تاریخی منحصر به فرد و یکتاست. از طرفی هر گفتاری همواره با گفتارهای دیگر مربوط است.

براین اساس یکی از مسائل مهمی که می‌توان درباره آثار ادبی مدنظر قرارداد موضوع «گفتمان» در خصوص این آثار است چرا که آنچه باید گفته می‌شد یا بیان شده، یا در حال بیان است و آنچه می‌ماند مسئله بینامتنیت آثار است. ابتدا باختین با مطرح کردن نظریه منطقی مکالمه متنها اصطلاح بینامتنیت را پی‌ریزی کرد. بعد از آن، کریستوا علاوه بر وضع واژه بینامتنیت، از آن برای مطالعه ادبیات و زبان و نظریه‌پردازی در این زمینه استفاده کرد. در واقع اگرچه باختین سازنده اصطلاح بینامتنیت نیست اما این اصطلاح، بر نظریه منطقی مکالمه وی استوار است. باختین معتقد است: «فرایند اثرگذاری و اثرپذیری نوعی گفت‌وگویی میان متنهاست. او به جای بینامتنیت از منطقی گفتمانی استفاده کرده، معتقد است هر سخن با سخنهای پیشین و حتی با سخنهای آینده گفت‌وگو می‌کند. البته او بر موضوع مشترک در این سخنها تأکید می‌کند.» (احمدی، ۱۳۹۸: ۹۸) بینامتنی «به سخن تعلق دارد نه به زبان، بنابراین در قلمرو فرازبان‌شناسی، قرار دارد نه زبان‌شناسی.» (همان: ۱۰۱)

غالب ساختارگرایان نثر را دارای طبیعتی بینامتنی می‌دانند. نثر پیچیدگیهای خاص شعر را ندارد بنابراین با توجه به دیدگاه صاحب‌نظران این حوزه به طور طبیعی، نثر نسبت به شعر، بینامتنی ساده‌تر و طبیعی‌تر دارد. به طور کلی

از منظر بینامتنیت متن، نظامی خودبسنده، بسته و مستقل نیست بلکه پیوندی دوسویه با متون گذشته، امروزی و حتی متون آینده دارد. ژرار ژنت بینامتنیت را نوعی کاربرد آگاهانه متنی در متن دیگر می‌داند و نقل قول‌ها و نقل معنا را از انواع بینامتنیت برمی‌شمارد. «او بینامتنیت را به سه نوع صریح عمدی (تضمین و نقل قول)، پنهان-تعمدی (سرقات ادبی) و ضمنی (کنایه و تلمیح) تقسیم می‌کند.» (صباغی ۱۳۹۱: ۶۲)

از آنجا که نثرهای عرفانی بخش مهمی از ادبیات ما را تشکیل می‌دهند با تمام جلالت قدر و فرامتنهایی که بر آنها نگاشته شده، نیاز به مطالعه بیشتر دارند. ضرورت تغییر در نگاه و شیوه مطالعه این آثار را در سخنان متقدمان نیز می‌بینیم و در این مقاله با نگاه ژرار ژنت به تحلیل و بررسی در متون عرفانی می‌پردازیم. به‌طورکلی بینامتنیت در ادبیات عرفانی بین متون نثر و نظم به شکل داستان و حکایت دیده می‌شود. «بسیاری از این حکایتها در شعر عارفانه فارسی نظیر آثار سنایی، عطار، مولوی و جامی به چشم می‌خورد گاه گسترده‌تر و گاه فشرده‌تر. زیرا همگی به گسترش افق معنایی مشترکی در زمینه فرهنگ صوفیانه یا عارفانه در قلمرو زبان فارسی یاری رسانده‌اند و آثارشان از یکدیگر مایه گرفته، از یک سنت فکری و زبانی‌اند.» (رضوانیان ۱۳۸۹: ۳۲۷)

حکایت‌های مطرح شده در متون کهن کتابهای مورد بررسی، جامعه مطالعاتی این مقاله را تشکیل می‌دهند. کتب مورد بررسی در این رساله از کتابهای معتبر به حساب می‌آیند. در میان آثار سهروردی عوارفالمعارف در زمره عالی‌ترین تصنیفات ادبیات اسلامی است. پیشوایان صوفیه آن را در شمار مهم‌ترین کتابهای معرفت و سلوک صوفیه به شمار آورده‌اند. دستورالجمهور فی مناقب السلطان العارفین ابو یزید طیفور، بخشی از حکایات و سخنان بایزید را - آمیخته به حواشی و افزوده‌هایی، همراه با شواهد شعری و آیات و احادیث و داستانها و اقوالی از دیگران - تدوین کرده‌است.

اهداف تحقیق حاضر، شناخت عمیق کتب عرفانی مورد بررسی «دستورالجمهور»، و «عوارفالمعارف» و یافتن رابطه بینامتنیت میان آثار است که در هیچ کدام از کتب مورد بحث، تحقیق جامعی در این رابطه انجام نشده است، با بررسی بینامتنیت نکاتی که باعث قوت و ضعف کتب مورد بحث شده‌اند، ارزیابی می‌شود که به روش کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی - توصیفی است.

۲-۱. پیشینه تحقیق

در رابطه با بینامتنیت در آثار عرفانی مورد بررسی، («دستورالجمهور») و («عوارف المعارف») هرگز تحقیق بینامتنی انجام نشده است، و در این رابطه موضوع کاملاً مستقل و جدید است، اما در بیان سوابق مطالعاتی در راستای موضوع می توان به مواردی اشاره کرد:

رضوان (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی جلی عرفان بایزید در عوارف المعارف سهروردی پرداخته است: عوارف المعارف شیخ شهاب الدین عمر بن محمد سهروردی کتابی است که در آن مشرب اهل طریقت به سلوک اهل شریعت در آمیخته است. او در این کتاب فزون بر استشهاد به آیات و روایات از گفته های عارفان به وفور بهره جسته است؛ حکایات و سخنان بایزید بسطامی از شاخصه های بارز کتاب به شمار می آید. نمود عرفان بایزید در این اثر مهم عرفانی، با عنایت خاص به دو نکته فوق الذکر در این رساله مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد. مصدر اصلی این پژوهش عوارف المعارف شیخ شهاب الدین سهروردی است. بادامی (۱۳۹۰) در مقاله مقامات عرفانی از دیدگاه پدران صحرا و عارفان مسلمان در چهار قرن اولیه به کتاب عوارف المعارف نظر داشته است.

این مقاله، به مقایسه مقامات عرفانی در نزد پدران صحرا و تصوف اسلامی در چهار قرن اولیه می پردازد. در آغاز مقاله، به چگونگی شکل گیری سخنان پدران صحرا در چهار قرن اولیه میلادی و پیدایش تصوف اسلامی و اهمیت عرفان عملی در هر دو نظام فکری اشاره شده است.

نامور مطلق (۱۳۸۶)، در مقاله ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن ها، پژوهش نامه علوم انسانی به تقسیم بندی میان دو متن هنری می پردازد و به روابط میان یک متن و پیرامتنهای پیوسته و گسسته از نگاه ژنت اشاره دارد.

صباغی (۱۳۹۱)، در مقاله ای به بررسی تطبیقی محورهای سه گانه بینامتنیت ژنت و بخشهایی از نظریه بلاغت اسلامی، پژوهشهای ادبی پرداخته است. این مقاله با در نظر گرفتن این نکته که در نتیجه آموزه های تعلیم فن شعر و دبیری جلوه هایی از پیوندهای بینامتنی در بلاغت اسلامی، فارسی و عربی، ظهور کرده؛ با بهره گیری از شیوه توصیفی تحلیلی به بررسی تطبیقی محورهای سه گانه بینامتنیت از دیدگاه ژرار ژنت و بخشهایی از نظریه بلاغت اسلامی می پردازد. نتیجه پژوهش نشان می دهد که برخی صناعات ادبی، مانند تضمین، تلمیح، حل، درج و اقتباس و نیز برخی سرفتهای ادبی مطرح در بلاغت اسلامی با نمونه هایی از الگوی سه گانه بینامتنیت هم خوانی دارند.

۲. تحلیل

تحلیل از عناصر مهمی است که همراه با ترکیب اسم مورد بررسی، تعریف می‌شود و به عنوان روشی خاص برای مطالعه به حساب آمده، همانند بیشتر واژه‌ها چند معنایی بوده، جزء نخستین اصطلاحاتی است که برای مطالعه عناصر مورد استفاده قرار می‌گرفته، معنایی نزدیک به نقد می‌یابد. دوره‌های مختلفی در بررسی و مطالعه متون با بیرون آنها به کار گرفته شده است.

تحلیل به‌عنوان یک عنصر مهم برای این نوشتار به دلیل همراهی با «بینامتنیت» اهمیت دارد و از جمله واژه‌هایی است که برای مطالعه خاصی از پدیده، مورد استفاده قرار می‌گیرد. لازم است بدانیم که، قرار گرفتن واژه «تحلیل» در کنار اسامی مختلف، موجب معناپردازی در ترکیب عبارت، می‌شود. «تحلیل، زبان را به عنوان عملی اجتماعی در ارتباط با تاریخ و فلسفه و جامعه، در سطح متن، اعم از گفتاری یا نوشتاری مورد مطالعه قرار می‌دهد.» (آقاگل‌زاده ۱۳۹۱: ۲۱۲)

۲-۱. بینامتنیت^۲ و انواع آن

بینامتنی رابطه موثر در درون متن بین دو یا چند متن است که در سالهای اخیر در مباحث نقد ادبی مطرح شده است. درون متن همان است که متون دیگر را در خود جای می‌دهد و یا بازتابی از بودن آنهاست. اولین زیرشاخه ترامتنیت، بینامتنیت است. اصطلاحی که ژولیا کریستوا از آن به بینامتنی تعبیر می‌کند. کاربرد آگاهانه متنی در متن دیگر، خواه کامل و خواه به صورت پاره‌ای از متن. (از دیدگاه ژنت نقل قولها و بازگفتها از متنی دیگر، سرقت ادبی، اشارات کنایه آمیز، نقل به معنا در این دسته جای دارند.) (احمدی ۱۳۹۸: ۳۲۰)

حضور موثر درون متن در این شیوه از تحلیل آثار ادبی می‌تواند به گونه‌های مختلف باشد. «با تعبیری محدودتر از کریستوا، به‌عنوان «حضور [حضور مشترک] مؤثر دو متن» به صورت نقل قول، انتقال یا سرقت ادبی و تلمیح. در اینجا متنی درون متن دیگر حضور دارد.» (استم ۲۰۰۰: ۱۷۸) ژرار ژنت در یک تقسیم‌بندی کلی، روابط تعالی‌دهنده میان متنها را به سه دسته تقسیم می‌کند:

بینامتنیت صریح و اعلام شده، بینامتنیت غیرصریح و پنهان شده، بینامتنیت ضمنی.

تحلیل روابط بینامتنیت دستورالجمهور از کتاب عوارفالمعارف بر اساس نظریه ژرار ژنت:

۲-۲. بینامتنیت صریح

این نوع از رابطه بینامتنی آشکارترین نوع از روابط مبتنی بر گفت‌وگویی متنها است که از نظر ژنت، به دو شکل نقل قول «با ارجاع» و «بدون ارجاع» تقسیم می‌شود. بینامتنیت صریح، بیانگر حضور آشکار یک متن در متن

^۲ Intertextualite

دیگر است و در صریح‌ترین و لفظی‌ترین شکلش عمل سنتی نقل قول (با گیومه و با یا بدون ارجاع) است. در نقل قول مؤلف متن دوم بینامتن را متمایز می‌کند به شکلی که می‌توان حضور یک متن دیگر را در آن متن مشاهده کرد. «نقل قول را می‌توان به دو دسته بزرگ نقل قول با ارجاع و نقل قول بدون ارجاع تقسیم کرد.» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۸)

در دستورالجمهور شیخ خرقانی بارها به مسئله تفحص داشتن در کتاب عوارف‌المعارف در مورد موضوعات مختلف اشاره شده؛ اما در متن به صورت صریح به موضوعات پرداخته نشده؛ بنابراین بینامتنیت صریح در کتاب دستورالجمهور از کتاب عوارف‌المعارف چندان مشهود نیست.

۳-۲. بینامتنیت غیرصریح

همان گونه که از نام این نوع از بینامتنیت برمی‌آید؛ «نویسنده یا شاعر در این نوع از بینامتنیت، عامدانه رابطه متن خود را با متن یا متون پیشین پنهان می‌کند و سرقات ادبی در این دسته جای می‌گیرند.» (صباعی ۱۳۹۱: ۶۵)

یکی از مواردی که نشان می‌دهد دستورالجمهور به طور غیرصریح، با کتب پیشین رابطه بینامتنی دارد؛ تکرار مفاهیمی است که در شرح حکایتها بیان کرده، به مفاهیمی چون «تجرد و تأهل، ادب، چله‌نشینی» در بینامتنیت غیرصریح نظر داشته است که به آن می‌پردازیم.

۴-۲. تجرد و تأهل

خرقانی در این حکایت از دستورالجمهور، به صورت غیرصریح از بینامتنیت بدون ارجاع یا غیرصریح استفاده کرده است که از سطحی‌ترین بینامتنیها محسوب می‌شود. مشابه این حکایت در عوارف‌المعارف وجود دارد که به آن می‌پردازیم. در دستورالجمهور آمده:

«بعضی از صلحاء در بغداد از شیخ عبدالقادر - قدس‌الله‌روحه - سؤال کردند که چرا زن خواستی. گفت مدتی بود که مرا آرزوی زن خواستن بود. مخالفت نفس را صبر کردم تا شبی مصطفی را -صلی‌الله‌علیه‌وسلم- در خواب دیدم [که] مرا گفت: «تزوج». چون صبر نیک کرده بودم «ساق‌الله‌الیّ اربعة أزواج مافیهنّ الّا من تنفق علیّ إرادة و رغبة». یعنی [به برکت صبر] حق‌تعالی چهار زنم روزی کرد که هر چهار به مال خود توانگر بودند و آن مال خود بر من نفقه به ارادت و رغبت خود و من آن را از ثمره صبر جمیل دانستم. «و من یتقّ الله يجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب» [یعنی: هرکه پرهیزد از خدای تعالی، گرداند مرو را بیرون شدن جای از همه کارها و روزی دهد او را از جایی که گمان او نباشد.]: (خرقانی، ۱۳۹۵: ۱۷-۱۸)

شیخ خرقانی نقل می‌کند که صبر برای رضای خداوند نتیجه‌ای به بار می‌آورد که از حد تصور خارج است و برای صبر در ازدواج، حکایت مرد چهار همسری را نقل می‌کند. سهروردی این حکایت را در عوارفالمعارف نیز آورده، می‌گوید که خرقانی با استفاده از واژگان متفاوت به صورت غیرصریح مرجع را بیان نکرده است.

بینامتنیت آشکاری در رابطه با این نقل قول از شیخ عبدالقادر در عوارفالمعارف دیده می‌شود:

«شیخ گفت: شنیدم که شیخ عبدالقادر - قدس‌الله‌روحه - مدتی مدید خاطر تزویج و خطبت در اندرون او می‌گذشت و از خوف تشویش وقت و کدورت حال، بدان خاطر التفات نمی‌نمود و بر مقاسات شداید و ملاقات حداید آن خاطر صبر می‌نمود تا آنکه که از حضرت عزّت استجازات حاصل آمد و چهار زن بخواست و جمله به ارادت و رغبت به خدمت شیخ قیام نمودند به برکت صبر. شیخ گفت که ثمره صبر رضای حق تعالی است. چون مرید صبر کند؛ حق تعالی به برکت صبر و صدق نیت او، او را یاری دهد و به جذبات عنایت، او را به مقام مردان برساند و خطبت او سبب حرمان او نگرداند؛ بلکه مدد او دهد در منزلت و قربت با حضرت عزّت.»:

(سهرودی، ۱۳۹۲: ۸۷)

حکایت نقل مردی است که به واسطه صبری که در برابر نفس انجام داد؛ حق تعالی به او چهار همسر متمول روزی کرده است که هر چهار همسر از روی خواست قلبی در خدمت شیخ هستند و اموال خود به او بخشیده‌اند. خرقانی این را موهبتی از جانب حق تعالی و به واسطه صبر در برابر رضای الهی می‌داند. همان‌طور که می‌بینید بینامتنیت غیرصریح در این متن آشکار است.

شیخ خرقانی در دستورالجمهور در مورد ازدواج حضرت علی^(ع) به چهار همسری و داشتن هفده سریه اشاره دارد: «و نیز زن از دنیا نیست. لآن امیرالمومنین علیاً - علیه‌السلام - کان ازهد الصحابه و له أربع نسوة و سبع عشرة [یعنی: علی المرتضی زاهدترین صحابه بوده است و او را چهار زن بوده است و هفده سریت^۳].»: (خرقانی، ۱۳۹۵: ۱۷) در این مطلب خرقانی از چهار همسری و داشتن هفده سریه از حضرت علی^(ع) صحبت می‌کند. که این مطلب در عوارفالمعارف نیز ذکر شده است.

در عوارفالمعارف این‌گونه آمده است: «بسیار خواستن نه از طلب دنیا است. که امیرالمومنین علی رض، زاهدترین جمله صحابه بود و او را چهار زن و هفده سریت بود.»: (سهرودی، ۱۳۹۲: ۸۸) در عوارفالمعارف نیز به

۳ سریت. [سُری یَ] (ع، ا)، سُرَّیَّة: یک دختر را جغتای بسریتی مخصوص کرد. (جهانگشای جوینی) و مجالست با کنیزکان و سریتها مجلس خاص. (ترجمه محاسن اصفهان. ص ۹۱). کنیزی که برای جمع و تمتع باشد و این معرب است به لفظ سیر که به معنی جماع باشد. (غیاث).

چهار همسری و هفده سریه از مولاعلی^(ع) اشاره می‌شود. بینامتنیت غیرصریح در این نوشته دیده می‌شود. در رابطه با مفهوم تجرد و تاهل در دستورالجمهور از ابن مسعود این‌گونه نقل می‌شود:

«وقال ابن مسعود رضی‌الله‌عنه «لو لا یبق من عمری الا عشره ایام احببت ان اتزوج و لا القی الله عزبا» عبدالله مسعود گفته است اگر از عمر من ده روز بیشتر نمانده باشد؛ دوست دارم که زنی بخوام و در حال عزبی خدا را نبینم.» (خرقانی، ۱۳۹۵: ۱۷)

شیخ خرقانی نقل می‌کند که ابن مسعود دوست نداشت در زمان عزبی با خداوند ملاقات کند و به عدد ده روز اشاره دارد.

همین روایت در باب بیست‌ویکم از عوارف‌المعارف به نقل از عبدالله مسعود، این‌گونه بیان می‌شود:

«عبدالله عباس رضی‌الله‌عنه خیر امت بود و بسیار زن خواستی. عبدالله مسعود رضی‌الله‌عنه گفت: اگر عمر من ده روز بیش نمانده باشد؛ خواهم که در آن ایام زن خواهم که دوست ندارم که عزب به حضرت عزت رسم.» (سهروردی، ۱۳۹۲: ۸۸)

سهروردی این حکایت را در شرح مجردان و متاهلان نقل می‌کند و حتی تعداد روز مشخص شده در هر دو حکایت یکی است؛ تنها تفاوت نوع بیان استفاده شده است. شیخ خرقانی به صورت بینامتنیت غیرصریح از عوارف‌المعارف بهره برده است.

۲-۵. ادب

شیخ خرقانی در بیان مقدمه سوم داستانی از بایزید بسطامی در توصیف ادب می‌نویسد:

«آنکه چون سلطان بایزید را عالم طلب [علم] بود و همیشه عهده طلب می‌پوییده، درکوی طلب می‌پوییده، لاجرم در محافظت آداب اصحاب طریقت چنان احتیاط ورزیده که روزی ابوموسی را که خادمش بود، گفت: «قم بنا حتی ننظر الی هذا الرجل الذی قد شهّر نفسه بالولایه» - [یعنی: برخیز با ما بیا تا بنگریم به این مردم که خود را مشهور کرده است به صاحب ولایتی.] و آن مردی بوده مشهور به زهد. چون سلطان بایزید نزدیک منزل او رسید مرد از خانه بیرون آمد تا سلطان را دریابد و آب دهان خود را به طرف قبله بینداخت. شیخ بازگشت و بر وی سلام نکرد و گفت: چون او را ادبی از آداب رسول الله - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - [امین] نیست چگونه در آن دعوی می‌کند امین باشد.» (خرقانی، ۱۳۹۵: ۳۱)

این حکایت ذکر مردی است که به صاحب ولایتی مشهور است اما ادب اهل معرفت را رعایت نمی‌کند. شرح بی ادبی در عوارف‌المعارف این‌گونه بیان می‌شود:

«و آورده‌اند که سلطان العارفين بایزید بسطامی - قدس‌الله‌روحه - روزی یاران را گفت: در این نواحی شخصی است که خود را به زهد و عبادت معروف و مشهور کرده است. برخیزید تا به زیارت او رویم و مسافتی تمام بود

از وطن شیخ تا معتبد آن درویش، بر این عزیمت قصد او کردند. چون به نزدیک وی رسیدند آن شخص، آب دهان از جانب قبله بینداخت. شیخ چون آن بی ادبی از وی بدید؛ بر وی سلام نکرد و بازگشت و یاران را گفت: این شخص را که بر ادبی از آداب ظاهر امین نکرده‌اند؛ چگونه وی را امین کرده باشند به مقامی از مقامات اولیا و صدیقان؟!»: (سهروردی، ۱۳۹۲: ۲۲)

سهروردی امین بودن شیخ زاهد را با بی ادبی در زمان سلام دادن بیان می‌کند، آنچه مشخص می‌شود، بینامتنیت غیرصریح در نوشته شیخ خرقانی است.

۶-۲. چله‌نشینی

در مقدمه سوم از حکایت پنجم در دستورالجمهور، تأکید بر چله‌نشینی در سحرگاه با آوردن حدیثی از پیامبر شده است: «اگر گویم مثل این حدیث که «من أخلص لله أربعين صباحاً، ظهر ینابیع الحکمه من قبله علی لسانه.» [یعنی: هر کس که چهل صباح برخیزد از بهر خدا و طاعت کند چشمه‌های حکمت از دلش ظاهر گردد بر زبانش روان شود.]: (خرقانی، ۱۳۹۵: ۳۶)

در عرفان همواره تأکید بر چله‌نشینی برای تربیت نفس شده است. در این بند، خرقانی تأکید بر چله‌نشینی را با آوردن حدیث معروف اربعین صباحا بیان می‌کند که این حدیث در عوارف نیز آورده شده است.

شیخ سهروردی در باب بیست و هفتم در ذکر فتوحات خلوت از این مفهوم بدون اینکه حدیث را ذکر کند این‌گونه بیان می‌کند: «شرط صحت خلوت آن است که: چهل روز بنشیند یا بیشتر، تا چشمه یقین از کدورات صافی شود و حجاب از پیش نظر دل برخیزد. تا هر آنچه شنیده باشد؛ ببیند.»: (سهروردی، ۱۳۹۲: ۱۰۱)

سهروردی چله‌نشینی را باعث صافی دل می‌داند. در این بند در مفهوم چله‌نشینی، شیخ خرقانی از عوارف المعارف به صورت غیرصریح بهره برده است.

۷-۲. بینامتنیت ضمنی

در این نوع بینامتنیت، «رابطه متن پسین و متن پیشین به تمامی آشکار نبوده، پنهان کاری عمدی در نظر هنرمند نیست؛ اما به تناسب متن و محتوا از پشتوانه فرهنگی استفاده می‌کند؛ تلمیح، ارسال المثل، تصویر آفرینی الهامی و وام‌گیری از مواردی هستند که در این مقوله می‌گنجند.»: (صباغی، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۸)

در این نوع از رابطه بینامتنی مؤلف نشانه‌هایی را به کار می‌برد که با این نشانه‌ها می‌توان بینامتن را تشخیص داد و حتی مرجع آن را نیز شناخت. این عمل هیچ‌گاه به صورت صریح، انجام نمی‌گیرد و به اشارات ضمنی بسنده می‌شود. «در این نوع بینامتنیت مخاطبان خاصی که نسبت به متن اول آگاهی دارند متوجه بینامتن می‌شوند.

مهم‌ترین اشکال این نوع بینامتن کنایات، اشارات، تلمیحات و... است.»: (ژنت، ۱۳۹۸: ۸)

شیخ خرقانی در پرداختن به تعدادی از مفاهیم عرفانی، به طور ضمنی، به عوارف المعارف نظر دارد. توانایی شیخ خرقانی در بیان ساده حکایتها چنان است که برقراری رابطه بینامتنی را مکتوم نگه می‌دارد. در این مقاله به مفاهیمی چون «تواضع، تجرد و تأهل، توبه و صبر» می‌پردازیم:

۲-۸. تواضع

شیخ خرقانی، تواضع در نماز را به نقل از بایزید بسطامی این‌گونه بیان می‌کند: «و نقل است که بایزید گفت: مرد چنان باید که چون در حضرت نماز آید خود را گبری پندارد که آن ساعت زَنّا از میان می‌گشاید و مسلمان می‌شود. یعنی... حالتی باشد که او آن را شرک انگارد و همه گبران و آتش پرستان را بر خود تفضیل نهد...»: (همان: ۱۴۲-۱۴۳)

در این حکایت حالت تواضع در نماز را حالتی می‌داند که شخص همه گبران و آتش پرستان را از خود برتر بداند. این نگاه در عوارف المعارف وجود دارد.

دیدگاه تواضع در دستورالجمهور شبیه به نقل قولی است که سهروردی در عوارف المعارف از یوسف اسباط بیان می‌کند: «از یوسف اسباط رحمه سؤال کردند که: غایت تواضع چه چیز است؟ گفت آنکه چون از خانه بیرون آبی هر کس را بینی به از خود دانی.»: (سهروردی، ۱۳۹۲: ۱۱۰)

حقیقت پذیرش بزرگی خداوند و دیدن حقارت خود در برابر عظمت الهی در جان و ضمیر انسان صدفی از معرفت و حقیقت می‌پروراند که شیخ سهروردی معتقد است تواضع یعنی هرکس را می‌بینی بهتر از خودبینی. این نگاه در نوشته خرقانی با نام تواضع قرابت دارد. در نوشته خرقانی بینامتنیت ضمنی با عوارف المعارف وجود دارد.

۲-۹. تجرد و تأهل

شیخ خرقانی در رابطه با موضوع تجرد و تأهل بارها به طور ضمنی با کتاب عوارف المعارف بینامتنیت ایجاد کرده است. یکی از مواردی که می‌توان به آن اشاره کرد در این بخش است:

«و اخبار و آثار شرع مختار به سمع رضا شنوده که «قال رسول الله - صلی الله علی و سلم - لاصیروره فی الاسلام ای التبتل و ترک النکاح» و ایضاً «قال علیه الصلوه و السلام اللهم انا نعوذ بک من العیمة و الغیمة و الایمة» و ایضاً «قال [رسول الله- صلی الله علیه و سلم] - من احب فطرتی فلیتسنّ بستتی.» رسول فرموده است که ترک زن

خواستن در اسلام نیست و پناه گرفته است به خدا از آرزوی شیر و تُشنگی^۴ و از بیوگی و گفته است که هرکه دین مرا دوست دارد باید که ترک سنت من نکند و مراد از این سنت نکاح است.»: (خرقانی، ۱۳۹۵: ۱۶)

در این بند، شیخ خرقانی سنت ازدواج را با حدیثی از پیامبر به طور مفصل نقل می‌کند.

در عوارفالمعارف نیز این مسئله به صورت موجز این گونه ذکر شده است: «و رسول - صلی الله علیه وسلم - فرموده است: «النِّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» یعنی زن خواستن سنت من است و هر آنکس که ترک این سنت کند نه از من است بلکه از من دور است.»: (سهروردی، ۱۳۹۲: ۸۸)

همان گونه که دیده می‌شود محتوای روایت یکی است و شرح حدیث شیخ خرقانی با قرابت نزدیکی دارد و بینامتنیت ضمنی به شیوة الهام‌گیری ایجاد شده است.

در رابطه با موضوع تجرد و تاهل در دستورالجمهور آمده است: «و عن النبي - صلی الله علیه وسلم - «إِذَا أَتَى عَلِيَّ أُمَّتِي مَائَةً وَ ثَمَانُونَ سَنَةً فَقَدْ حَلَّتْ لَهُمُ الْغَزْوَةُ»^۵، رسول - صلی الله علیه وسلم - فرموده است که هرگاه از هجرت ما صد و هشتاد سال بگذرد عزب بودن حلال است.»: (خرقانی، ۱۳۹۵: ۱۶) شیخ خرقانی به نقل از پیامبر زمان هجرت را صد و هشتاد سال بیان می‌کند، همین سخن در عوارف با تفاوت در عدد سال بیان می‌شود.

در عوارفالمعارف شیخ سهروردی این گونه می‌نویسد: «و در حدیث آمده است که: چون دویست سال از هجرت بگذرد جایز است که امتان عزوبت اختیار کنند.»: (سهروردی، ۱۳۹۲: ۸۷) دلیل ضمنی بودن بینامتنیت در این نوشتار عددی است که در دو اثر متفاوت ذکر شده، مابقی کلمات یکسانی خود را حفظ کرده است.

۱۰-۲. توبه

در باب سوم از کتاب دستورالجمهور در مورد توبه این گونه آمده است:

«و نقل است که بایزید گفت که توبه از معصیت یکی است و از طاعت هزار. یعنی توبه از دیدن طاعت هزار است. مرد سالک باید که بساط ریا درنوردد و حجاب اعجاب بردارد تا به روضه اخلاص و صدق برسد. «فإنَّ المخلص لاریا له و الصادق لإعجاب له» اخلاص آن است که در طاعتی و عبادتی که به جای می‌آری خلق را از راه برداری.»: (خرقانی، ۱۳۹۵: ۱۴۰)

در عوارفالمعارف یکی از نشانه‌های پذیرش توبه این گونه آمده است: «شیخ^{رحمه} گفت: نشان صحت توبت استجاب آن باشد که هرگاه در نماز خاطر غیری درآید؛ از آن نماز توبت و استغفار کند.»: (سهروردی، ۱۳۹۲:

(۱۸۳)

^۴ بیهودگی

^۵ العذبة

شیخ خرقانی یکی از نشانه‌های توبه را اخلاص می‌داند و معتقد است زمانی به اخلاص می‌رسی که در زمان عبادت هر فکری را که از خلق به ذهنت خطور کرد، از سر راه برداری در این حالت است که توبه‌ات پذیرفته است. در مقابل سهروردی نیز به نقل از شیخ معتقد است که اگر در نماز فکری غیر از خدا آمد؛ بنده توبه و استغفار کند. آنچه مشخص است در دستورالجمهور بینامتنیت ضمنی به شیوة الهام‌گونه با عوارف‌المعارف صورت گرفته است.

۱۱-۲. صبر

در باب پنجم از کتاب دستورالجمهور، شیخ خرقانی صبر و شکر در بلا را ملازم هم می‌داند: «در صبر کردن بر مشقت طاعت ابتغاء مرضات ربّ است. تا شریعت می‌فرماید که «الإحسان أن تعبد الله كأنك تراه، فان لم تك تراه، فإنه يراك.» در صبر کردن نیز بر بلا همان حاصل است. لاجرم در نماز و اوقات راز و نیاز این می‌گوییم که «ایاک نعبد» ای شکرأ علی نعمانک و «ایاک نستعین» ای صبرأ علی بلانک- یعنی ترا می‌پرستم بر نعمای تو و از تو یاری می‌خواهم برای صبر کردن بر بلای تو.» (خرقانی، ۱۳۹۵: ۳۲۱)

خرقانی بیان می‌کند که آنچه نشان ایمان است شکر در نعمت و صبر در بلاست.

سهروردی در عوارف‌المعارف نیز این نگاه را دارد و با سخنی از پیامبر صبر و شکر در بلا را ملازم می‌داند: «قولهم فی الشکر: قال رسول الله -صلعم-: «من ابتلی فصب و اعطی فشکر و ظلم فغفر اولئک لهم الا من وهم مهتدون» هرکس که در بلا صابر بود و در نعمت شاکر بود و چون بر او ظلم کنند؛ غافر و ساتر بود، از جمله مسعودان و مقبولان حضرت عزّت بود... و شیخ رض گفت: حقیقت شکر آن است که هر چه بر او رود از آسایش و راحت و شدّت و مکروه شاکر باشد. بلکه لذّت او در ضربت بلا بیشتر باشد که در خصب و نعمت.» (سهروردی، ۱۳۹۲: ۱۸۵-۱۸۶)

سهروردی نیز صبر در بلا و شکر در نعمت را نشانی از سعادت می‌داند. مفهوم به‌کار برده شده در هر دو اثر یکی است. در این بند بینامتنیت ضمنی به صورت وام‌گیری دیده می‌شود.

۳. نتیجه‌گیری

ژنت معتقد است که رابطه بین متنها اجتناب‌ناپذیر است. آنچه از بررسی متون عرفانی دیده می‌شود، این است که رابطه بینامتنیت در متنها عرفانی به دلیل هم‌سانی فکری همواره مشهود است. در این بررسی از نظر محتوا هر دو کتاب در یک خط فکری قرار دارند. تعلق خاطر مؤلفان در بیان مفاهیم عرفانی و بیان سلوک عارفان، افق معنایی مشترکی بین دو اثر در منطق گفت‌وگویی ایجاد کرده است و مفاهیم اخلاقی- عرفانی مشترک در هر دو اثر دیده می‌شود. نکته‌ای که نباید نادیده گرفته شود این است که دستورالجمهور به اشتباه به ابوالحسن خرقانی نسبت داده شده است. دانش‌پژوه در تالیف کتاب دستورالجمهور آن را اثر احمدبن حسین شیخ خرقانی از احفاد

ابوالحسن خرقانی می‌داند. نکته دیگر اینکه شیخ حسین خرقانی نبوغ عرفانی دارد و نمی‌توان ایشان را مقلد عرفانی صرف دانست. اما نزدیکی موضوعی باعث ایجاد رابطه بینامتنیت این کتاب با عوارف المعارف، شده است. اشتراکات عرفانی در روابط بینامتنیت، طبق نظریه ژرار ژنت در این دو اثر به اثبات می‌رسد. شیخ خرقانی از بینامتنیت صریح با نظر بر متن کتاب عوارف المعارف استفاده نکرده است. آنچه در بررسی کتاب دستورالجمهور دیده می‌شود؛ بسامد مفاهیم عرفانی به شیوه بینامتنیت ضمنی است که در این مقاله در مفاهیمی چون «تواضع، تجرد و تأهل، توبه و صبر» مورد ارزیابی قرار گرفت و مسلم است که حسین خرقانی از مفاهیم عرفانی و حکایتهای موجود در کتاب عوارف المعارف برای نگارش اثر عرفانی اش به شیوه بینامتنیت ضمنی با روش الهام‌گیری و وام‌گیری استفاده کرده است و بعد از آن در رابطه بینامتنیت غیر صریح نزدیکی در دو اثر دیده می‌شود. هم در شکل و هم در محتوا و تفکر، بینامتنیت غیر صریح در متن موجود است که بسامد چندانی ندارد و در این مقاله در مفاهیمی چون «تجرد و تأهل، ادب، چله‌نشینی» مورد ارزیابی قرار گرفت. حسین خرقانی در جای‌جای متن خود به تفحص در کتاب عوارف المعارف در زمان نگارش و تدوین کتاب دستورالجمهور تاکید دارد پس مولف قصد سرعت ادبی نداشته است و از مفاهیم جهت درک مخاطب استفاده کرده است.

فهرست منابع

کتابها

- احمدی، بابک. ۱۳۹۸. ساختار و تاویل متن، تهران: مرکز.
- استم، رابرت. ۲۰۰۰. از متن تا بینامتن درآمدی بر نظریه فیلم، به کوشش احسان نوروزی. ترجمه فرهاد ساسانی. تهران: انتشارات سوره مهر.
- آفاگل‌زاده، فردوس. ۱۳۹۱. تحلیل گفتمان و کاربرد شناسی، تهران: نویسه پاریسی.
- تودوروف، تزوتان. ۱۳۹۶. منطق گفت‌وگویی میخائیل باختین، ترجمه داریوش کریمی. تهران: مرکز.
- رضوانیان، قدیسه. ۱۳۸۹. ساختار داستانها و حکایتهای عرفانی کشف‌المحجوب، اسرارالتوحید و تذکره الاولیا، تهران: سخن.
- ژنت، ژراژ. ۱۳۹۸. تحلیل و بیان: نقد زبان‌شناختی، مترجم: الله‌شکر اسداللهی. بهمن نامورمطلق. تهران: سخن.
- سهروردی، شهاب‌الدین. ۱۳۹۲. عوارف المعارف، مترجم ابومنصور بن عبدالمومن اصفهانی به اهتمام قاسم انصاری. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- الشیخ الخرقانی، احمد بن الحسینی. ۱۳۹۵. دستورالجمهور فی مناقب ابو یزید طیفور، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

نامور مطلق، بهمن. ۱۳۹۰. درآمدی بر بینامتنیت، تهران: سخن.

Bakhtine, Mikhail. ۱۹۷۵. *Esthétique et théorie du roman*. Paris: Gallimar. Genette, Gérard. ۱۹۸۲.

مقالات

صباغی، علی. ۱۳۹۱. «بررسی تطبیقی محورهای سه‌گانه بینامتنیت ژنت و بخشهایی از نظریه بلاغت اسلامی». پژوهشهای ادبی. سال ۹، ش. ۳۸، صص ۵۹-۷۱.

نامور مطلق، بهمن. ۱۳۸۶. «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متنها»، پژوهش نامه علوم انسانی، شماره ۵۶.

نامور مطلق، بهمن. ۱۳۸۸. «از تحلیل بینامتنی تا تحلیل بیناگفتمانی». پژوهش نامه فرهنگستان هنر. شماره ۱۲.

References

Books

۱-Absolute Namour, Bahman. ۲۰۱۱. *An Introduction to Intertextuality*. Tehran: Sokhan.

۲-Ahmadi, Babak ۱۳۹۸. *Text structure and interpretation*. Central Tehran.

۳- Robert Sternberg. ۲۰۰۰. *From text to intertext. An Introduction to Film Theory*. By Ehsan Norouzi. Translated by Farhad Sasani. Tehran: Surah Mehr Publications.

۴-Aghagolzadeh, Ferdows. ۲۰۱۲. *Discourse Analysis and Applied Studies*. Tehran: Persian writing.

۵-Rezvanian, Qadiseh. ۱۳۸۹. *The structure of mystical stories and anecdotes (Kashf al-Mahjoub, Asrar al-Tawhid and Tazkereh al-Awliya)*. Tehran: Sokhan.

۶-Janet, Jara. ۱۳۹۸. *Imagination and Expression: Linguistic Criticism*. Translator: God is thankful to Asadullah. Bahman Namur Motlagh. Tehran: Sokhan.

۷-Suhrawardi, Shahabuddin ۱۳۹۲. *Avarefolmaaref*. Translated by Abu Mansour Ibn Abdul Momen Isfahani by Qasem Ansari. Tehran: Scientific and Cultural Publications.

۸-Sheikh al-Kharqani, Ahmad ibn al-Husseini. ۱۳۹۵. *The order of the Republic in Manaqaba Abu Yazid Tayfur*. By the efforts of Mohammad Taghi Daneshpajoo and Iraj Afshar. Tehran: Written Heritage Research Center.

٩-Bakhtine, Mikhail. ١٩٧٥. *Esthétique et théorie du roman*. Paris: Gallimar. Genette, Gérard. ١٩٨٢.

Articles

١-Moradkhani, Zahra ١٣٨٨. Hayat Suhrawardi: A ray from the life of Sheikh Ishraq. Book of the Month of Philosophy. No. ٢٣,

٢-Namur Motlagh, Bahman. ٢٠٠٧. The transcript of the study of the relations of one text with other texts, Journal of Humanities, No. ٥٦.

٣-Namur Motlagh, Bahman. ١٣٨٨. From intertextual analysis to interdisciplinary analysis. Research Journal of the Academy of Arts. No. ١٢.

٤-Radfar, Abolghasem ١٣٨٢. "Imam Al-Aref Sheikh Shahabuddin Suhrawardi, the owner of Awarf Al-Ma'arif". Culture. Pp. ٤٦ and ٤٧, pp. ١١٣-١٣١.

٥-Rezwan, Hadi ١٣٩٢. "Manifestation of Bayazid mysticism in Suhrawardi's encyclopedias" Persian language and literature of Sanandaj Azad University. Volume ٥, N١٧.

٦-Sabbaghi, Ali ٢٠١٢. A comparative study of the three axes of Genet intertextuality and parts of the theory of Islamic rhetoric. Literary research. Year ٩, p.٣٨, pp. ٥٩-٧١.

٧-Todorov, Tzutan. ١٣٩٦. The logic of Mikhail Bakhtin's dialogue. Translated by Dariush Karimi. Central

Tehran.